

آلودگی آب در تهران

بخش وسیعی از مناطق شرقی تهران به دلیل مصرف آب آلوده سد «لتیان» با خطر گسترش بیماری‌های گوناگون روبرو هستند.

گزارش زیر بوسیله یکی از هم‌میهنان دلسوز که اکنون در یک مقام نسبتاً مهم دولتی در جمهوری اسلامی خدمت می‌کند در اختیار نادر صدیقی، تهیه‌کننده و مجری برنامه «طلوعی دیگر» در تلویزیون پارس قرار گرفته است.

نادر صدیقی در آغاز برنامه خود (پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۱) تأکید کرد که این گزارش از یک فاجعه بهداشتی در پایتخت خبر می‌دهد که مردم تهران و حومه از آن بی‌خبرند و مقام‌های مسئول از جمله شخص رئیس‌جمهوری و اعضای کابینه او که از عواقب و آثار این فاجعه آگاهی دارند، هیچ‌گونه اقدامی برای حل این مسئله نکرده‌اند.

با پوزش از نکات و عبارتهای آزاردهنده این گزارش، مشروح آن به شرح زیر است:

حدود دو سال پیش، نامه‌ای از استانداری تهران به امضای «سید محمدرضا آیت‌اللهی»، استاندار تهران، به وزارتخانه ما رسید که خلاصه آن چنین بود:

« نظر به اینکه سلامت و بهداشت قریب ۶۵٪ ساکنین تهران و شهرستانهای اطراف در معرض خطر و تهدید جدی می‌باشند، لذا به منظور بحث و بررسی لازم و همچنین بازدید از محلی که این تهدید از آنجا سرچشمه می‌گیرد و در نهایت اتخاذ تصمیم در این باره، در ساعت روز خواهشمند است دستور فرمائید نماینده مطلع و تام‌الاختیار آن وزارتخانه در جلسه‌ایکه در دفتر استاندار تشکیل می‌شود حضور بهم رساند. »

این دعوت‌نامه، به بسیاری از وزارتخانه‌ها و سازمانهای کشوری و لشگری فرستاده شده بود و دعوت‌نامه بعنوان «خیلی محرمانه» طبقه‌بندی گردیده بود.

در روز و ساعت موعود در جلسه استانداری حاضر شدم. پس از سلام و رسمیت جلسه، استاندار ضمن تشکر از حضور افراد شرکت‌کننده گفت:

«برادران! پادگان لشگرک واقع در شمال شرق تهران، یکی از بزرگترین مراکز نظامی اطراف تهران می‌باشد. طبق آمار فرمانده پادگان، تعداد نیروهای مقیم در شرایط متفاوت، متغیر است. ولی از ۲۸۰۰ نفر کمتر و از ۴۵۰۰ نفر بیشتر، نیروی مقیم نخواهیم داشت.»

وی سپس ادامه داد که همه سازمانها باید کمک کنند که بودجه لازم برای انتقال هر چه سریعتر این پادگان از محل فعلی، تأمین گردد، زیرا مجاورت آن با سد «لتیان» یک خطر عظیم بهداشتی را سبب شده است. ناگهان نظم و سکوت حاکم بر جلسه بکلی برهم خورد و اکثر آقایان شکایت داشتند که این موضوع چه ربطی به سازمان مطبوعه آنان دارد؟

استاندار تهران که از قبل چنین واکنشی را انتظار داشت، گفت: «برای اینکه همگان از بعد مسئله آگاه شوید، پیش‌بینی کرده‌ایم که آقایان ابتدا از محل سد و پادگان بازدیدی بعمل آورند، پس از آن در روزهای بعد، دنباله جلسه را ادامه می‌دهیم.»

اتوبوسی آماده کرده بودند و همگی سوار اتوبوس شدیم و پس از سرازیر شدن از گردنه قوچک به دوراهی پادگان لشگرک رسیدیم. به سمت راست به حرکت ادامه دادیم و پس از طی چند کیلومتری نرسیده به پل‌های نصب شده بر روی رودخانه لواسان در سمت چپ جاده متوقف شدیم.

از بیرون، دو حوضچه بزرگ فلزی «Tiekner» عیناً مانند انبارهای ذخیره نفت می‌دیدیم که آب در سطح این مخازن موج بود!

استاندار توضیح داد که تمام فاضلاب این پادگان بزرگ و «ادرار» و «مدفوع» پرسنل با حجم ۲۵۰ متر مکعب در ساعت و به عبارت دیگر با حجم ۶۰۰۰ متر مکعب در شبانه‌روز از کانالهای مربوطه وارد این مخازن می‌شود. وی توضیح داد که طبق گزارش‌های مکتوب

کارشناسان که در مراجعت به استانداری بین ما توزیع خواهد شد، حجم این فاضلاب و ادرار و مدفوع، بین ۲۵۰۰ تا ۶۰۰۰ متر مکعب، پس از عبور از این حوضچه ها، وارد دریاچه سد لتیان می شود و به این ترتیب، بطور تقریبی در هر سال، حداقل یک میلیون مترمکعب ادرار و مدفوع از این پادگان ها وارد حوضچه ها و دریاچه سد لتیان می شود که در حالت حداکثر، این حجم به بیش از ۲/۵ میلیون مترمکعب بالغ می گردد.

یکی از حاضران پرسید: «علت چرخش آب در داخل این حوضچه ها چیست؟» یکی از مطلعین پاسخ داد: «بمنظور خرد کردن فضولات که در آب حل شوند، در غیر این صورت بعلت شناور شدن مدفوعات منظره زشتی تمام سطح دریاچه را خواهد پوشاند.»

یکی دیگر از حاضران که بشدت ناراحت بنظر می رسید، پرسید: «آیا این آب عیناً به خورد تهرانی ها داده می شود؟» مهندس مطلع پاسخ داد: «بلی! ولی سازمان آب، مقداری کلر به آن می زند و گاهی طبق گزارش های بسیار محرمانه وزارت بهداشت، شدت آلودگی ها به قدری بالاست که حد ندارد. در چنین مواقعی، سازمان آب به اضافه کردن کلر به چندین برابر استاندارد اقدام می کند، بطوریکه طبق گزارش های رسیده از مشترکین، آب دریافتی از شیر آب در اکثر مواقع شیری رنگ است (بعلت مقدار زیاد کلر در آب) و خود کلر در بیش از حد مجاز، مسموم کننده ای بسیار قوی است. گزارش های متعددی وجود دارد که ماهیه های قرمز در تنگ آب چند ساعت پس از به سر بردن در آب آلوده شهر مرده اند. گزارش دیگری از وزارت بهداشت و آزمایشگاه های متعدد حاکی است که برخی از تخمک های کرم که به حد وفور در آب دریاچه وجود دارند، نه تنها در مقابل کلر مصونیت کامل دارند، بلکه برخی از آنها تا چند ساعت در داخل آب جوش کاملاً زنده می مانند.»

شخص دیگری پرسید: «تا چه محدوده ای از این آب در تهران به مصرف آشامیدن می رسد؟» یکی از پرسنل مسئول گفت: «نقشه لوله کشی آب شهر تهران که از سد لتیان تغذیه می شود، فراهم گردیده و در بازگشت به استانداری در اختیار دوستان قرار خواهد گرفت، ولی از تکثیر و توزیع آن معذوریم. می توانم بگویم که تمامی شرق تهران تا حوالی مرکز (میدان فردوسی) و از شمال شرق تا جنوب شرق، حتی شهرها و آبادی های اطراف شرق تهران و لواسانات، اعم از لواسان بزرگ و لواسان کوچک، از این آب استفاده می کنند.»

در این هنگام استاندار تهران اضافه کرد که گزارش مکتوب و مستندی از وزارت بهداشت و درمان داریم که تقریباً ۶۵٪ ساکنان تهران در مناطق شرقی آلوده به انواع کرمها و انگلها هستند - بویژه اطفال نابالغ. در یکی از این گزارشها قید شده است که هنگام معاینهٔ پسر بچه‌های ساکن شرق تهران، غالباً تخم کرم «تیریشین»، تخت‌های معاینه را کثیف می‌کنند.

یکی از اعضای حاضر گفت: «و مردم با این آب وضو می‌گیرند!» که دیگری حرف او را قطع کرد و گفت: «دارند می‌گویند مردم این آب را می‌خورند، تو از وضو صحبت می‌کنی؟» در این هنگام استاندار از اعضا خواست بمنظور بازدید از مبداء آلودگی‌ها داخل اتوبوس شویم تا از محوطهٔ پادگان صحنه را مشاهده کنیم که تمامی اعضا بدون استثناء امتنا کردند.

در مراجعت، استاندار با در اختیار نهادن بعضی مدارک خواستار تأمین بودجه جهت خریداری زمین و انتقال پادگان لشکرک شد، **ولی علی‌رغم گذشت حدود ۲ سال هیچ اقدامی در این زمینه به عمل نیامده و مردم شرق تهران همچنان به مصرف این آبهای آلوده ادامه می‌دهند.**

آقای خاتمی به دلیل نداشتن بودجه این برنامه را بایگانی کرده‌اند. ولی من بعنوان یکی از اعضای حاضر، به آقای خاتمی پیشنهاد می‌کنم به جای طرح «گفتگوی تمدن‌ها» ب فکر سلامت و بهداشت مردم تهران و شهروندان ایران باشند و اجازه ندهند انواع انگل‌ها و میکروب‌ها در داخل گوشت و پوست و خون مردم رخنه کنند.

هر کسی تردیدی در صحت این گزارش دارد می‌تواند در حدود یکصد متری پل‌های نصب شده بر روی رودخانهٔ لواسان، جنب سیمهای خاردار پادگان، توقف کند و از نزدیک شاهد درستی این گزارش باشد.